

## خرد سیاسی کلیله‌ودمنه: داروی تلخ نصیحت آمیخته به شهد حکایت

سید محمد سعید شجاعی<sup>۱</sup>

### چکیده

کلیله‌ودمنه نصرالله منشی از مهم‌ترین متون اندرزنامه‌ای ایران دوره میانه است که در قالب حکایت‌های تمثیلی، تصویری پیچیده از مناسبات قدرت و سازوکار حکومت ارائه می‌کند. مسئله اصلی این پژوهش بررسی این پرسش است که آیا کلیله‌ودمنه صرفاً تداوم سنت اندرزنامه‌نویسی و پشتیبان نظری مشروعیت قدسی قدرت است، یا آنکه در لایه‌های زیرین خود نوعی بازاندیشی عقلانی در باب سیاست عرضه می‌کند. این مقاله با رویکرد تحلیل متن در بستر تاریخی و با تکیه بر خوانش مفهومی مضامینی چون عقل، عدل، اطاعت، بخت و مصلحت، نشان می‌دهد که کلیله‌ودمنه ضمن وفاداری به ساختار اندرزنامه‌ای، نوعی جابه‌جایی در مبنای مشروعیت سیاسی ایجاد می‌کند. در این اثر، بقای ملک نه به دین‌داری شاه، بلکه به کارآمدی، تدبیر و عقل عملی وابسته است. بدین‌سان کلیله‌ودمنه را می‌توان مرحله‌ای مهم در روند عرفی‌شدن تدریجی اندیشه سیاسی ایران و انتقال مشروعیت از افق قدسی به قلمرو عقل و تجربه انسانی دانست.

**واژه‌های کلیدی:** کلیله‌ودمنه، اندیشه سیاسی، اندرزنامه، عقل عملی، مشروعیت سیاسی، ایران دوره میانه.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۵

۱. دانش آموخته مقطع دکتری اندیشه سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

shojaie.saced7@gmail.com

## مقدمه

سنت اندرزنامه‌نویسی دوران باستان در عصر انتقال منابع مکتوب باستانی به دوران اسلامی، پایه‌های رایج‌ترین و مهم‌ترین گونه‌اندیشه سیاسی تاریخ میانه (سیاستنامه‌نویسی) را پیش از نضح گرفتن فلسفه سیاسی و شریعتنامه‌نویسی فراهم آورد و دو ویژگی اساسی دستگاه تفکر سیاسی ایرانی یعنی نظریه فرمانروایی الهی و پیوند دین و دولت (رستم‌وندی، ۱۳۸۸: ۴۴۶) را در مرکز ثقل اندیشه سیاسی قرار داد. این ویژگی‌ها که مبانی نظام‌های سیاسی را مشخص می‌کرد، خود محصول آموزه‌های دینی، اسطوره‌ای و نیز انباشت تجربیات اجرایی کشورداری بود. محور این آیین و اندیشه، پیوستگی دین و سیاست است و عالی‌ترین جلوه آن زمانی آشکار می‌گشت که حکیمی حاکم می‌شد. اندرز معروف اردشیر بابکان مبنی بر توأمانی ملک و دین بیانگر همین امر بود که شهریاری از دین پایه و دین از شهریاری نیرو می‌گیرد. این ایده در دوران اسلامی موردپسند امیران مسلمان نیز قرار گرفت. عین یا مشابه این عبارت تنسر که «دین و ملک هر دو به یک شکم زادند دوسیده، هرگز از یکدیگر جدا نشوند و صلاح و فساد و صحت و سقم هر دو یک مزاج دارد» (تنسر، ۱۳۵۴: ۵۳)، در بسیاری از کتاب‌های این دوران تکرار شد. این برادران همزاد جدایی‌ناپذیر، هیچ یک بدون کمک دیگری قوام و دوام ندارند. حکومت ناگزیر است که اساس داشته باشد و دین نیز ناچار است که محافظ داشته باشد. زیرا آنچه محافظ نداشته باشد ضایع و آنچه اساس نداشته باشد، ویران خواهد شد. از این‌روست که منشی در مقدمه کیله‌ودمنه می‌نویسد «به حقیقت بیاید شناخت که ملوک اسلام سایه آفریدگارانند، عز‌آسمه، که روی زمین به نور عدل ایشان جمال گیرد و به هیبت و شکوه ایشان آبادانی جهان و تألف اهواء متعلق باشد که به هیچ تأویل حلاوت عبادت را آن اثر نتواند بود که مهابت شمشیر را .... ما یزع السلطان اکثر مما یزع القرآن» (منشی، ۱۳۹۴: ۴). با عنایت به این پیشینه می‌توان تداوم، تنومندی، ریشه‌داری و کهنسالی اندرزنامه نویسی را درک نمود.

اندرزنامه‌نویسی در ایران باستان سنت و کوششی برای تبیین نسبت میان اخلاق و قدرت بود و در گذار از عهد ساسانی به دوران اسلامی، به مؤثرترین و فراگیرترین شکل اندیشه سیاسی ایران دوران میانه بدل شد. در این متون، سیاست نه تنها تدبیر مُلک، بلکه آیین زیستن و سامان دادن به جهان انسانی بود. این اندرزنامه‌ها با روایت پند و حکایت، سیاست را در قالب نصیحت، اخلاق و حکمت عملی آموزش می‌دادند. در میان این آثار، کیله‌ودمنه جایگاهی یگانه دارد. این کتاب در اصل مجموعه‌ای از داستان‌های تمثیلی هندی بود و در دوره ساسانی به پهلوی ترجمه و ابن مقفع در اوایل دوران اسلامی آن را به عربی درآورد. در قرن ششم هجری به قلم نصرالله منشی در دربار بهرام‌شاه غزنوی از عربی

به فارسی ترجمه و بازنویسی شد و مقامی ممتاز در ادب فارسی و اندیشه سیاسی ایران به دست آورد. منشی در ترجمه خود نه تنها نثر فارسی را به اوج رساند، بلکه از طریق کاستن و افزودن بخش‌هایی از ترجمه ابن مقفع، متن را به جامه نگرش سیاسی و اخلاقی ویژه‌ای درآورد.

کلیده‌ودمنه منشی به زبان فارسی است و مخاطبان آن فارسی‌زبانان و فارسی‌گویان هستند. منشی دلیل فارسی‌نویسی خود را قصور در رغبت مردمان از «مطالعت کتب تازی» (منشی، ۱۳۹۴: ۲۵) می‌داند. این تحول در رجوع به زبان فارسی مبنای تحول در فکر سیاسی و رویکرد به سیاست بود و باب ابن مقفع و اشاره به آیین وی، ترجمه آزاد و انشای نصرالله منشی را سیاست‌نامه‌ای تمام‌عیار می‌سازد. از این رو ویژگی‌های مختص این اثر (زبان فارسی، امر سیاسی، ساختار روایت، دوره بحران) را ملاک قرار می‌دهیم.

کلیده‌ودمنه در لایه‌های زیرین خود تصویری پیچیده از مناسبات قدرت، مشروعیت و خرد سیاسی عرضه می‌کند. این اثر در میانه بحران‌های سیاسی عصر غزنوی، یعنی تقابل دو طبقه ترکان اهل شمشیر و ایرانیان اهل قلم، پدید آمد و نویسنده از خلال زبان تمثیلی، بازنمایشی نسبت میان سیاست، عقل و اخلاق را وجهه همت قرار داده است. در واقع، در پس روایت حیوانات و تمثیل‌های ادبی، دغدغه‌ای ژرف درباره امکان اصلاح قدرت و مرزهای اخلاق سیاسی پنهان است. از این رو مقاله حاضر در پی آن است تا نشان دهد کلیده‌ودمنه صرفاً بازتاب آیین پند و نصیحت نیست، بلکه طرحی از سیاست عقلانی - اخلاقی را به دست می‌دهد. از این منظر، این اثر را می‌توان پلی میان اندرنامه‌های باستانی و سیاست‌نامه‌های عقل‌گرا دانست؛ مرحله‌ای از تکوین عقل عملی در اندیشه ایرانی که در آن مشروعیت سیاسی از حیطة الهی به قلمرو تدبیر انسانی انتقال می‌یابد. به‌رغم پیشینه هندی کتاب، اقبال فراوان ایرانیان در طول تاریخ نشان می‌دهد که بازنویسی ایرانیان از آن متن بیانگر اوضاع و احوال ایران و روحیات مردمان آن بوده است و حقایق عام و جهان‌شمول حوزه سیاست را با ظرافت بیان کرده است

### پیشینه پژوهش

طی دهه‌های گذشته و پس از انتشار تصحیح انتقادی کلیده‌ودمنه مجتبی مینوی، انبوهی از آثار پژوهشی به تحلیل مضامین محوری آن پرداختند و تقریباً همگی کلیده‌ودمنه را جزو مهمی از سنت ادبیات تعلیمی ایران و اندرنامه‌نویسی دانسته‌اند. برخی کلیده‌ودمنه را نخستین اثر در علم سیاست و آداب مُلک‌داری در جهان معرفی می‌کنند و قدر و منزلت آن را برای هندوان هم‌سنگ احترام انجیل برای عیسویان و قرآن برای مسلمانان می‌دانند (محبوب، ۱۳۳۶: ۱۲ - ۱۳۴). در باب اهمیت آن نیز

گفته شده که «کتابی بسیار عزیز بود و خواندن آن مخصوص پادشاهان بود و اگر کسی از... سرداران آن را می‌خواند احتمال می‌دادند که از جانب وی خطری متوجه حکومت شود. چنانکه خسرو پرویز را خبر دادند که بهرام چوبینه سرکرده سرکش و یاغی به هنگام تنهایی کیلیه ودمنه می‌خواند. به روایت فردوسی خسرو گفت، اکنون کار درازی با او در پیش خواهیم داشت» (مینوی، ۱۳۵۰: ۷۳۵). اما به‌رغم اینکه کیلیه ودمنه کتابی در حکمت عملی و بینش سیاسی - اجتماعی به شمار می‌آمد و نزد اهل دانش گرامی بود، اما کمتر از منظر سیاسی بررسی شده است. فارغ از ارزش ادبی و جایگاه کیلیه ودمنه در ادبیات ایران، این اثر در اندیشه ایرانی به‌ویژه در اندیشه سیاسی، موقعیت ممتازی دارد. بخش مهمی از این امر، مرهون انتقال اندیشه‌های جهاننداری و پادشاهی از ایران باستان به دوره اسلامی است که از رهگذر ترجمه عربی این مقفح امکان‌پذیر و در شرایط زمانی ویژه‌ای انجام شد. این کتاب را در نگاه کلی می‌توان کتابی در باب شهریارگی به شمار آورد. نویسندگان و مترجمان متعدد آن به رسم مألوف گذشتگان تلاش کرده‌اند تا دقایق، ظرایف، آداب و رسوم حکومت را در قالب حکایت‌های زیبا و جذاب و دل‌نشین برای پادشاهان و کارآموزان این منصب از میان درباریان بیان کنند (سیدباقری و حسنی، ۱۴۰۰: ۹۸).

پژوهش‌های مربوط به کیلیه ودمنه عمدتاً در سه حوزه صورت گرفته‌اند:

۱. مطالعات ادبی و سبکی که بر جایگاه نثر منشی و تحول نثر مصنوع فارسی تمرکز داشته‌اند؛
۲. پژوهش‌های تاریخی که به سیر ترجمه اثر از پنجه‌تتره تا نسخه فارسی پرداخته‌اند؛
۳. تحقیقات مربوط به سنت اندرزنانه‌نویسی که کیلیه ودمنه را در چارچوب ادب تعلیمی تحلیل کرده‌اند.

برخی پژوهشگران، این اثر را یکی از نخستین متون سیاست‌نامه‌ای جهان معرفی کرده و اهمیت آن را در انتقال آیین جهاننداری ایرانی به دوره اسلامی برجسته ساخته‌اند. در مقابل، شماری از متفکران معاصر اندیشه سیاسی ایران، از جمله سید جواد طباطبایی، این متون را حامل استمرار اندیشه ایرانی‌شهری دانسته‌اند که در قالب ادبی، بنیان‌های نظری دولت ایرانی را حفظ کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۵: ۲۹۸). با وجود این مطالعات، اغلب پژوهش‌ها یا بر جنبه ادبی اثر تمرکز داشته‌اند یا آن را در تداوم نظریه مشروعیت قدسی تفسیر کرده‌اند. کمتر پژوهشی به‌طور مستقل کوشیده است نشان دهد که کیلیه ودمنه چگونه با بهره‌گیری از زبان تمثیل، نوعی بازتعریف عقلانی از سیاست و قدرت عرضه می‌کند و چه نسبتی با فرآیند عرفی‌شدن اندیشه سیاسی در ایران دارد. این مقاله می‌کوشد تا تمرکز بر مفاهیم بنیادین قدرت در متن، این خلأ پژوهشی را پر کند.

## روش‌شناسی

از نظر روش‌شناسی، مقاله بر خوانش انتقادی متن در بستر تاریخی استوار است: یعنی بازسازی معنا در نسبت با شرایط فرهنگی و سیاسی عصر غزنوی و در پیوند با سنت اندرزنامه‌نویسی ایرانی. در این خوانش، کلیله‌و‌دمنه به منزله متنی تلقی می‌شود که از خلال تمثیل و حکایت، نظامی از مفاهیم سیاسی را بازنمایی می‌کند؛ بنابراین، این پژوهش را می‌بایست از نوع بنیادی و با رویکرد کیفی دانست. در این چارچوب:

۱. متن کلیله‌و‌دمنه نصرالله منشی به‌مثابه یک کل گفتمانی تحلیل شده است؛
  ۲. مفاهیم کلیدی مرتبط با قدرت، از جمله عقل، عدل، اطاعت، بخت، مصلحت، حلم و اقتدار استخراج گردیده است؛
  ۳. این مفاهیم در نسبت با سنت اندرزنامه‌نویسی ایران باستان و دوره اسلامی مقایسه شده است؛
  ۴. داده‌های متنی در پرتو شرایط سیاسی عصر غزنوی و مناسبات اهل شمشیر و اهل قلم تفسیر شده است.
- تحلیل نهایی بر مبنای این پرسش صورت گرفت که مبنای مشروعیت سیاسی در متن، قدسی است یا عقلانی - کارکردی. بدین‌سان از رهگذر خوانش انتقادی متن، ساختار درونی اندیشه سیاسی کلیله‌و‌دمنه بازسازی شد.

## اندرزنامه و تأمل در باب سیاست

در تاریخ اندیشه سیاسی ایران، دو جریان عمده در قرون میانه از یکدیگر متمایز می‌شوند: نخست، جریان شریعت‌نامه‌نویسی که سیاست را تابع شریعت و فقه می‌داند و دوم جریان اندرزنامه‌نویسی که بر تجربه، اخلاق و تدبیر دنیوی تأکید دارد. اندرزنامه‌ها در عین برخورداری از زبان دینی، ماهیتی عرفی و عقلانی دارند و بیشتر بر «حکمت عملی» استوارند تا بر کلام و فقه. اغلب پژوهشگران حوزه اندیشه سیاسی در ایران، سیاست‌نامه‌نویسی را ادامه اندرزنامه‌نویسی و رویاروی با شریعت‌نامه‌ها، یعنی جریان غالب اندیشه خلافت اسلامی میدانند (طباطبایی، ۱۳۸۲: ۱۳). این شیوه اندیشه می‌کوشید در برابر سيطرة گفتار فقهی خلافت اسلامی، بیان عرفی و عقلانی سیاست را حفظ کند. «نمود اندیشه‌ای مسیر عقلانی دو دسته از متون هستند: یکی متون اخلاق فلسفی و دیگر متون اندرزنامه‌ای. در متون اخلاق فلسفی، سیاست عرصه تعارض منافع قلمداد می‌شود؛ اما در نهایت از امکان شکل-گیری جامعه‌ای

اخلاقی همبسته و عاری از تعارض سخن گفته می‌شود. در مقابل در رویکرد اندرزنامه‌نویسی، سیاست عرصه دشمنی دائمی بازنمایی شده و امکان شکل‌گیری جامعه عاری از تعارض منتفی قلمداد می‌شود (اکوانی، ۱۳۹۷: ۳). از این رو سیاست عرصه قانون‌گذاری الهی قلمداد نمی‌شود، بلکه میدان تعامل آدمیان در ساختارهای قدرت است.

اگرچه در نگرش سیاستنامه‌نویسان نیز مانند اهل شریعت، حاکمیت بر مردم مضمونی دینی دارد، اما محور تحلیل سیاسی سیاستنامه‌نویسان بر شالوده رأس هرم تولید و توزیع قدرت سیاسی یعنی شاه انجام می‌گیرد (طباطبائی، ۱۳۸۲: ۵۷). در این نگرش که سابقه آن به ایران باستان و دنیای کهن می‌رسد، حکومت، حقّی الهی و مصون از چون و چرا محسوب می‌شود. در ایران باستان خدای‌نامه‌ها و اندرزنامه‌های ساسانی از قبیل کارنامه اردشیر بابکان و نامه تنسر به روشنی آموزه شاه آرمانی فرهمند را بازتاب داده‌اند و پس از ورود اسلام به ایران اساس آن بیش و کم تداوم یافت. از این رو حفاظت و حراست از قدرت کارکرد اصلی اندرزنامه‌های کلاسیک فارسی است که اغلب به دست دولتمردان و کسانی که از کردوکار دولت تجربه مستقیم داشتند نوشته شده‌اند.

آثار این حوزه اندیشه از نظر فرم و محتوا دسته‌بندی شده‌اند. در برخی پژوهش‌ها با معیار قراردادن صورت و محتوا، اخلاق نویسی، دستورنویسی و سیره‌نویسی، با نمونه‌هایی چون گلستان سعدی، سیاستنامه خواجه نظام الملک و کارنامه اردشیر بابکان بازشناخته می‌شوند که خود سه گونه سیاستنامه هستند (رجایی، ۱۳۷۳: ۲۲). در رویکردی دیگر اندرزنامه‌ها بر حسب موضوع یا پدیدآورندگان دسته‌بندی می‌شوند و دو گروه قابل برشمردن هستند؛ نخست کسانی که کار اصلی آنها نویسندگی بود و به اصطلاح صاحب قلم به شمار می‌آیند مانند منشیان و دبیران و اهل دیوان که در خدمت حکومت قرار دارند یا حتی نویسندگان آزاد یعنی کسانی که تعهدات سیاسی رسمی، تعیین‌کننده حرفه‌شان نیست. دوم کسانی که به طور مستقیم، در تمام یا بخشی از عمرشان مناصب سیاسی را در اختیار داشته‌اند. بدین سان دسته‌بندی به گونه‌ای جزئی و مبسوط‌تر، پنج شاخه اصلی را در میان سیاستنامه‌های زبان فارسی از یکدیگر متمایز می‌سازد. «نوشته‌های سیاسی به معنای دقیق کلمه یا سیاستنامه‌ها، تاریخ الوزراء، کتاب‌های تاریخی، دریافت عرفانی اندیشه‌های سیاسی ایران‌شهری که در برخی از نوشته‌های عرفانی آمده است و مطالب سیاسی و اندرزنامه‌ای که در نوشته‌های ادبی فارسی اعم از نظم و نثر گنجانده شده است» (طباطبائی، ۱۳۹۰: ۸۵).

برخی مضامین در دوره‌های مختلف و به مدت مدید، در آثار گوناگونی شامل نوشته‌های سیاسی مانند آیین‌نامه‌ها، (یکی از گونه‌های مهم تأمل سیاسی در نخستین سده‌های اسلامی)، نوشته‌های

تاریخی، ادبی و عرفانی و به دست طیف وسیعی از پدیدآورندگان (امیر، وزیر، منشی، شاعر و مترجم) تکرار شده‌اند. از این رو در اندرزنامه‌ها ویژگی‌های مشترکی به لحاظ شکل و محتوا مشاهده می‌شود. خصوصیات از قبیل اینکه همگی در دوره‌های بحران و به اقتضای سنت اندرزنامه‌نویسی با قصد حفظ حکومت نوشته شده‌اند. به طور مثال سیاستنامه (سیرالملوک) به خواست ملک‌شاه سلجوقی و در تدبیر امور مملکت، کليلة در بحران حکومت بهرام‌شاه غزنوی، قابوس‌نامه برای فرزندی که امیدی به حکومتش نیست و گلستان در فروپاشی خلافت و بحران سلطنت‌های ایرانی متعاقب هجوم مغول به رشته تحریر درآمده‌اند، همه بر روایت داستان و تعریف حکایت بنا شده و از نظر ساختار زبانی امری و دستوری هستند. بدین سان که در ابتدا پند یا توصیه‌ای بیان شده و سپس با ذکر شواهد واقعی یا افسانه‌ای و تفسیر آنها می‌کوشند حجیت کلام گذشتگان و پیروی عمل آنان را به مخاطب یادآوری نمایند. کليلة‌ودمنه به تعبیر منشی «تقریر و تحریر حکایت» نیست، بلکه «نفهیم حکمت و موعظه» است. سیاستنامه و قابوس‌نامه به گونه نصیحت‌الملوک نزدیک می‌شوند و نویسندگان آنها، در تدارک مبنای فلسفی و نظری مباحث خود می‌کوشند، گرچه کليلة‌ودمنه به تقریب فاقد بنیاد فلسفی است. اما کليلة، کامل‌ترین و نصیحه‌الملوک ناقص‌ترین ساختار روایی را دارند. کليلة‌ودمنه تجسم عملی و عینی اندرز است، حال آنکه در سیاستنامه و قابوس‌نامه حکایات در توجیه و تفسیر اندرز و دستور و توصیه‌های مجرب بیان می‌شوند. نویسندگان این متون شغل دیوانی داشتند و کارگزار حکومت یا حاکم بودند؛ مثلاً دبیر (منشی)، وزیر (خواجه نظام)، شاه (عنصرالمعالی) و شاعر اندرزگو (سعدی) بوده و بر اساس تجربه آنها را به رشته تحریر درآورده و انشاء نموده‌اند.

سرشت اخلاقی این آثار زمانی به‌خوبی و وضوح انعکاس می‌یابد که به وجه مشترک سیاستنامه‌ها یعنی اندرز توجه ویژه مبذول شود. البته اندرز در جوهر اخلاقی خلاصه نمی‌شود و نوعی رهنمود برای تحقق هدفی خاص است که اصولاً با حفظ یا اصلاح وضعیت سیاسی همسوست. مثلاً همانطور که در سیاستنامه خواجه نظام الملک که جزو «نوشته‌های دقیقاً سیاسی» است، در کنار خصایصی چون مردانگی و وفای به عهد، به لزوم عدل‌گستری شاهان به کرات اشاره شده است (نظام الملک، ۱۳۷۴: ۲۴، ۱۲، ۷، ۴). گلستان سعدی که سیاستنامه‌ای ادبی است، در فصل «در سیرت پادشاهان» به اندرزهایی چون نیک رفتاری، طمع نورزیدن و رأفت با رعیت پرداخته است (سعدی، ۱۳۸۲: ۳۹، ۴۳، ۵۲). واضح است که منظور از برجسته کردن سرشت اخلاقی، به معنای بی‌اعتنایی به وجه سودمند سیاستنامه‌ها در حفظ قدرت و سلطه حاکمان نیست. در بخش‌های بعدی این مقاله اشاره خواهد شد که به سبب سایه سنگین وجه اخلاقی، جنبه سیاسی کمتر مورد بررسی قرار گرفته و در قالب اندرز مغفول مانده است.

اندیشه سیاسی تأمل منظم و منسجم در سرشت قدرت و خویش کاری آن در بستر شهر (قلمرو) است. بدین سان از منظر بررسی اندیشه‌ها، متفکری که چارچوبی از روابط قدرت ارائه کرده باشد، در سنخ اندیشمندان سیاسی یا متفکران متأمل در سیاست قرار می‌گیرد. انعکاس سیاست در اندرزنامه‌های ایرانی با کارنامه اردشیر بابکان آغاز می‌شود و با نامه تنسر، یادگار زریران، خدای نامه‌ها، کلیله و دمنه، تاریخ بیهقی، سیاستنامه (سیرالملوک)، قابوس‌نامه، اخلاق ناصری و گلستان ادامه می‌یابد. توجه به سیاست و حکومت مانند جلوه‌های عرفانی در ادب فارسی همواره حائز اهمیت بوده است. از این رو به نظر می‌رسد که اندرز به قدرت نه یک موقعیت ویژه، بلکه مقامی نهادینه در ساختار دولت ایرانی بود و وزیران، ادیبان، شاعران، دانشمندان، بزرگان دین و برخی دیگر از منسوبان و مقربان قدرت این نقش را برعهده داشته‌اند. اگرچه هنگامی که تاریخ و سیاست وارد حوزه ادبیات می‌شود، جنبه بیان هنری به خود گرفته است. اما به نظر می‌رسد شهرت کلیله و دمنه به اثری داستانی و کودکانه و شاخص بودن نثر آن در ادب فارسی، مانع توجه کافی به منزلت این کتاب در آموزش دانش سیاسی و بررسی سازوکار جریان قدرت در الگوی دولت ایرانی شده است. از این رو این پرسش طرح می‌شود که کلیله و دمنه در بازتاب و نقد مناسبات قدرت در ایران میانه، چگونه نوعی «سیاست عقلانی - اخلاقی» را در برابر «سیاست الهی - قدسی» شریعت‌نامه‌ها بنیان می‌نهد؟

همانطور که پیشتر اشاره شد اندرزنامه‌ها و سیاستنامه‌ها حراست از قدرت و پشتیبانی فکری از سازوکار قدرت را برعهده دارند و کلیله و دمنه نیز از این امر مستثنی نیست، اما در کنار این وجه محافظه کارانه، وجه نهفته تأملی و انتقادی نیز در کلیله و دمنه بیش از دیگر آثار این حوزه آشکار می‌شود. به نظر می‌رسد کلیله و دمنه با حفظ صورت اندرزنامه‌ای، درون مایه‌ای انتقادی نسبت به الگوی دینی مشروعیت سیاسی ارائه می‌دهد و سیاست را به قلمرو عقل عملی و تجربه‌گرای انسانی منتقل می‌کند. در نتیجه، این اثر را می‌توان نقطه عطفی در سیاست عرفی و دنیوی شدن تدریجی اندیشه سیاسی ایران دانست. نصرالله منشی در زمانی می‌نویسد که سلطه سیاسی در دست ترکان نظامی و قدرت فکری در اختیار دبیران ایرانی است. در چنین فضایی، اندرز نه فقط پند، بلکه زبان مقاومت فرهنگی است؛ زبانی که در لفافه تمثیل، امکان نقد قدرت را فراهم می‌کند. کلیله و دمنه به همین معنا، داروی تلخ نصیحت است که در شهد شیرین حکایت پوشیده شده است. از آنجاکه بنیاد سیاست بر فرمان برداری و اطاعت افراد است، در کلیله و دمنه یک سازوکار آموزشی وجود دارد که هدف آن تربیت رعیت مطیع، آگاهانند سلطان نسبت به کارکنان دربار (فوشه کور، ۱۳۷۷: ۵۶۶) و آموزش رموز مملکت‌داری به شاهزادگان جوانی است که فاقد علم، فضل و هنر هستند. این رسم تربیت شاهزادگان پس از اسلام از طریق

سیرالملوک‌ها، اخلاق الاشراف‌ها، سیاستنامه‌ها و اندرزنامه‌هایی چون قابوس‌نامه هم چنان فهمیده می‌شد (رضایی راد، ۱۳۸۵: ۲۹۵). در این اثر، سیاست به منزله عرصه‌ای اخلاقی بازنمایی می‌شود که در آن عقل، اعتدال و مشاوره با حکیمان ضامن بقای حکومت است. حاکم آرمانی نه قدیس، بلکه عاقلی مدبر است. این نگاه، برخلاف اندرزنامه‌های ساسانی که شاه را سایه خدا می‌دانستند، سیاست را از افق قدسی به سطح عقل عملی فرو می‌آورد و به همین سبب می‌توان آن را یکی از نخستین نشانه‌های «عرفی‌سازی» در اندیشه ایرانی دانست.

### سیر تمدنی کلیده‌ودمنه

از آنجاکه در طول تاریخ موقعیت ارتباطی فلات ایران محل تلاقی دانش یونانی و هندی با عناصر ایرانی بود، همواره مساعی و مآثر ایرانیان، آن عناصر را به هیئتی نو تألیف و منتشر می‌ساخت. از این رو فرهنگ و تمدن ایرانی واجد خصلتی جهانی است که ثمرهٔ خلاف آمیزش افکار و عقایدی است که سوغات کاروان‌های تجاری و جهانگشایان بود و با اندکی تسامح، امپراتوری را می‌توان جلوه بارز تمدن ایرانی دانست. ایران‌شناسان اشاره کرده‌اند که عباسیان، ایران را منبع تمام دانش‌ها به شمار می‌آوردند و عناصر این تصور در منابع ایرانی و نوشته‌های محققان مسیحی آن روزگار آشکار است. بدین‌سان در اوایل دورهٔ عباسی این روند تشدید و تقویت شد و عنصر ایرانی در سراسر خلافت اسلامی رواج یافت. پس از گسترش جغرافیایی خلافت اسلامی و ضرورت رتق‌وقتق امور سیاسی در مرزهایی فراتر از عربستان، وام‌گیری از آیین جهانداری را محسوس‌تر نمود و یکی از مهمترین منابع تأمین این وام، سنت اندیشه و عمل ایرانیان بود. مثال بارز آنکه در نهاد وزارت و دیوان آشکار می‌شود «به اقتضای تقلید عباسیان از رسوم دربار ساسانی پیدایش و گسترش یافت ... و به‌ویژه با خلافت هارون‌الرشید و با حضور برمکیان در دولت اسلامی به اوج رسید» (فیرحی، ۱۳۸۸: ۲۷۱). از دیگر سو، بهره‌گیری کارگزاران دستگاه عباسیان از ترجمهٔ منابع کهن ایرانی به زبان عربی، ادب درباری نوآیینی را پدیدار نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۸۶). به لحاظ سلبی منعی برای حضور آیین‌نامه‌ها و خدای‌نامه‌های ایرانی در دوره اسلامی نبود و مستحدثات (امور نوپدید)، به وجود آورندهٔ نیازهایی بود که اندیشه و عمل ایرانی با حضور به موقع آنها را رفع می‌نمود.

دانشوران ایران ساسانی در رهگذر تاریخی طولانی و به شکلی پر ماجرا متون بسیاری از دانش ذوقی و حکمت عملی هندیان را به فارسی میانه (پهلوی) ترجمه کردند و پس از ترجمه، با حکمت و تجربه حکومت‌داری ایرانیان درآمیختند. برخی از این متون پس از فروپاشی شاهنشاهی ساسانی و

نابودی طبقات بالای اجتماعی این حکومت، به دست دهقانان که از طبقات میانی بودند به زبان عربی برگردان شد. سرگذشت تألیف و تدوین کلیلهدومنه در ابتدای کتاب و شیوه اندرزگویی به زبانی نمادین و تمثیلی به روشنی گواه منشأ هندی آن است که با ذهن و زبان ایرانیان در آمیخته است.

ترجمه پهلوی کلیلهدومنه نسخه‌ای است که از اصل هندی با عنوان پنجه تتره (داستان‌های پنج‌گانه) در مسیری پیچیده، از منشأ هندی با گذر از صافی ذهن ایرانی و آمیزش با عناصر فکری تمدن ایران به روزگار خسرو اول به پهلوی فراهم آمد. پنجه تتره از کتب خزانه ملوک هند و تحت حفاظت بود و چون راز حکومت خوب در سرزمین‌های دور جستجو می‌شد، طبیب دانایی بنام برزویه با نیرنگ و زحمت بسیار کتاب را به دست آورد و به پهلوی ترجمه کرد. یکی از دلایل اثبات ریشه هندی کتاب، مطالبی است که درباره مسافرت و مأموریت برزویه به هندوستان در «باب برزویه طبیب» آمده است. اشاره به این نکته خالی از فایده نیست که پیشینیان هند را سرزمین اسرار می‌شناختند. از این رو با طرح احتمال اشاره به مفهوم مثالی هند در کلیلهدومنه، در ریشه هندی اثر به لحاظ جغرافیایی می‌توان تردید کرد. پنجه تتره در مقام مهم‌ترین منبع داستان‌های کلیلهدومنه شناخته می‌شود، اما تنها نیمی از ده داستان مورد اشاره در متن فارسی کلیلهدومنه در آن وجود دارد. در واقع کلیلهدومنه در شکل نهایی خود منتخبی از داستان‌هایی با منابع و ریشه‌های مختلف است. نام شخصیت‌های اصلی کتاب به زبان سانسکریت «کرتکا و دمکا» بود و در زبان پهلوی «کلیگ و دمگ» نامیده شدند.

در رهگذر از پهلوی به فارسی دری نخست روزبه مشهور به ابن مقفع کاتب ایرانی دربار منصور خلیفه عباسی و یکی از معماران حکومت آنان، اثر را به عربی ترجمه نمود و مقدمه‌ای بر آن نوشت. گویا مراد وی از وضع مقدمه بر کلیلهدومنه عربی اشارتی به اوضاع دربار و زمانه و همچنین بیان اصول عقاید گنوسی خویش در لافه سخن بود. این ترجمه «الگوی برای اندرزنامه‌نویسی در کل تاریخ ایران است و به نظر می‌رسد اندرزنامه‌های متعدد دوره‌های بعدی، چارچوب بنیادی و نظری خود را از این اثر برگرفته‌اند» (رجایی، ۱۳۷۶: ۲۸). نخستین برگردان فارسی ترجمه منثور بلعمی و ترجمه منظوم رودکی است که در زمان سامانی و به ترغیب وزیر دانشور و پرآوازه آنان، ابوالفضل بلعمی صورت گرفته است. در سلطنت بهرام‌شاه غزنوی حدود سال‌های ۵۳۸ تا ۵۴۰ هجری قمری، برگزیده‌ترین ترجمه که از حیث بلاغت و فصاحت و اسلوب نگارش در نثر فارسی بی‌همتاست، به دست ابوالمعالی نصرالله منشی فراهم آمد و بخشی جاودان از میراث ادب فارسی شد. نثر کلیلهدومنه بهرام‌شاهی شباهتی به ترجمه ندارد و از نظر شیوه نگارش و ترکیب متن عبارات و آرایش کلام از جمله عالی‌ترین نمونه‌های نثر فارسی و در زمره نخستین آثار مصنوع به زبان فارسی است. انشای آن به حدی استوار و دلنشین است

که از قرن ششم سرمشق نگارش و همواره جزء کتب درسی فارسی بود. مطالب موجود در کلیله و دمنه بیانگر سنت‌های تمدن‌های گوناگون و تألیفی از چندین منبع متفاوت است و شمول حکمت عملی آن اقوام مختلف را پوشش می‌دهد. از این لحاظ تصور کلی و جمعی را از سیاست و تدبیر مُلک و اصول اخلاق عملی اقوام مختلف در حوزه هند، ایران و خاورمیانه نشان می‌دهد. در واقع تألیفی از آثار متعدد و محصول بازار مشترک فرهنگی چندین حوزه تمدنی و آمیزش حکمت هندی، تدبیر ایرانی و زبان عربی و وجوهی از اندیشه اسلامی است. این کتاب، از پنجه تتره هندی آغاز می‌شود، در دربار خسرو انوشیروان به پهلوی ترجمه و به دست ابن مقفع به عربی درمی‌آید. در نهایت به قلم نصرالله منشی به فارسی دری بازنویسی می‌شود. این مسیری که از فرهنگ‌های گوناگون گذشته است، خود نشانه ماهیت جهانی این کتاب است که در آن دانش سیاسی، فراتر از مرز دین و قوم، به صورت تجربه مشترک عقل عملی در می‌آید.

از این رو ویژگی بسیاری از وجوه اندیشه سیاسی قدیم مانند فروریختن مرزها و پیوستگی عناصر متضاد در آن بسیار مشهود است. سیمای برزویه طیب و ارسطوی اندرزگو جلوه بارز آن است. یونان و هند، طیب و حکیم، دانش سیاسی و پزشکی، فلسفه و دین، طالع بینی و جادو که جلوه نظام اخلاقی و سیاسی قرون میانه است (یاوری، ۱۳۹۸: ۶۷). بدین سان منشی اهمیت کتاب خود را در گذر به فراسوی مرزهای جغرافیایی، قومی، مذهبی و زبانی می‌بیند و «کدام فضیلت از این فراتر که از امت به امت و از ملت به ملت رسید و مردود نگشت؟» (منشی، ۱۳۹۴: ۱۹). منشی مدعی است که کتاب او مقبول طبع دوست و دشمن، مسلمان و کافر است همه بدان محتاج و تا زبان فارسی زنده است کتاب او محفوظ و معتبر خواهد بود و مهجور نخواهد گشت (منشی، ۱۳۹۴: ۴۲۰). ملک الشعراء بهار سده‌ها بعد نوشت «هیچ کتابی را سراغ ندارم که مانند این کتاب مستطاب در طول قرون و نزد ملل مختلف تا این اندازه دوام آورده، مونس ملوک و انیس عامه و سرمشق اخلاق و روش‌های زندگی قرار گرفته باشد» (بهار، ۲۵۳۶: ۲۵۳). در عین حال سبک ادبی و آراسته کلیله و دمنه حکایت از مخاطبانی در طبقه اشراف، درباری و باسواد دارد، زیرا «حکمت همیشه عزیز بوده است، خاصه به نزدیک ملوک و اعیان» (بهار، ۲۵۳۶: ۲۵). کثرت تقالید و بازنویسی و حضور ظاهری و باطنی کلیله در متون پس از خود تصدیق ادعای منشی است.

نویسنده تاریخ مردم ایران با اشاره به «پراکندگی هویت و اقسام وحدت» و لزوم ارائه راه‌حلی نافذ برای غلبه بر عسرت قرون اولیه ایران در دوران اسلامی خاطرنشان می‌سازد که دستیابی به نوعی وحدت، آرمان مدعیان قدرت و بهانه هیجان‌انگیزی و تکاپوی آنان می‌شد و گرچه اغلب این آرمان جز

به مقیاس سود و مصلحت شخصی ارزیابی نمی‌شد، اما دست کم به پاره‌ای از سرزمین‌های فلات که مدت طولانی‌تری آسایش و ایمنی می‌یافت، گه‌گاه فرصتی مغتنم برای توجه به امر سازندگی می‌داد» (زرین کوب، ۱۳۹۴: ۵۱۹). و لیکن با انقراض حکومت‌های نیمه‌مستقل ایرانی و پدیداری غزنویان از افق شرقی سرزمین ایران این بخت مستعجل یکسره بر باد شد. در گیرودار تلاش روزافزون دستگاه رو به افول خلافت بغداد در یافتن متحدی وفادار در سیمای سلطان غازی، اغلب صاحب‌نظران ایرانی با نگاه به گذشته کوشیدند پاسدار رسوم و فرادشش ایرانی باشند و تا حد امکان پاسخی روزآمد برای معضلات و مشکلات عصر خود بیابند. ایشان با آگاهی از عدم امکان بازگشت معدوم، کوشیدند با بهره‌گیری از عناصر خردباور سنت و بازپرداخت نو از مفاهیم پویای آن در آشوب زمانه، طرحی نو تدارک بینند. روزگار منشی مصادف با تکوین نوعی نظام سیاسی بود که الگوی حکومت در دوران میانه تاریخ ایران قرار گرفت و خود محصول دو دستگی میان ترک و تاجیک در مقام دو گروه قدرتمند زمانه بود. به عبارت دیگر، در کنار نیروهای عشیره‌ای ترک که در هسته اصلی حکومت جای داشتند، گروهی از بومیان ایرانی وظایف دیوانی را بر عهده داشتند. از این رو متأثر از همین دسته‌بندی مقام سلطنت حاکم بر جان و مال رعایا و در رأس نظام و دو نهاد عالی و مجزای لشکری و دیوانی، یکی با اهل شمشیر ترک‌تبار و دیگری با کارگزاران ایرانی، وجود داشت. سرداران اهل شمشیر همواره پای ثابت دسیسه‌های درباری در چیرگی بر اهالی قلم بودند و سرنوشت آنان را رقم می‌زدند. معمولاً این دسیسه‌ها با اتهامات مالی تحقق می‌یافت و رقابت‌های آنان عزل و شکنجه وزیران و دیوانیان را در پی داشت. مناسبات قدرت به زبان اهل قلم تداوم می‌یافت. فهم آراء و عقاید سیاسی مستتر در کیلیه‌ودمنه با التفات نظر به این محیط و روزگار زیست منشی امکان‌پذیر است.

### سیاست در افق کیلیه‌ودمنه

کیلیه‌ودمنه در مقام یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌های علم سیاست و راه و روش کشورداری و اجرای سیاست با شرحی کوتاه در ستایش خرد از زبان بزرگمهر آغاز می‌شود. باب برزویه طبیب به دنبال آن می‌آید. برزویه از آموختن پزشکی نزد استادان خود می‌گوید و این که بسیار زود در حرفه پزشکی استاد شده است. سپس به تحصیل دین پرداخته و درمی‌یابد که همه ادیان خود را بر حق و ادیان دیگر را باطل می‌دانند و روش آنها این است که به جای تفکر و استدلال سعی در اقناع مخاطب دارند. وی راه درست را در این می‌بیند که عمر خود را صرف اموری کند که همه ادیان نیک می‌دانند و از عقل پیروی نماید (منشی، ۱۳۹۴: ۵۰ - ۴۹). خرد و بهره‌گیری از نیروی عقل در تمشیت امور و فرمانروایی،

ستون اصلی کلپله‌ودمنه را تشکیل می‌دهد. تنها عقل می‌تواند فرمانروا را از ورطه‌های هولناک برهاند و منافع متضاد را سازش دهد و ضامن بقای حکومت باشد. در جایی که دین و نیروی عقیده درمی‌ماند، خرد راهگشاست. قهرمان اصلی داستان‌های کلپله خرد انسانی است و حکایت‌های پی‌درپی نشان می‌دهند که محور حکومت خوب و پایدار و اساس زندگی نیک، ذکاوت سیاسی و پیروی از عقل است و نه تعهد عقیدتی. اخلاق سیاسی داستان‌های گوناگون و متنوع کتاب را به هم پیوند می‌دهد. عقل و خرد یا حکمت کلید سعادت هستند که هم شاه را از رذایل انسانی نظیر آزمندی، حسادت، خبثت، خیانت، جاه‌طلبی و بیدادگری دور می‌دارند و هم او را پذیرای پند و اندرز می‌کنند. کار وزیران هدایت شاه به راه درست است. اما بهترین وزیران و مشاوران و به تبع آن اندرزنامه‌ها هم نیاز به تأیید شاه دارند. ارزش اطاعت از شاهان و کتمان اسرار وقتی بارز می‌شود که تنها درخواست برزویه این است که سرگذشت وی به کتاب افزوده شود زیرا «طاعت ملوک و خدمت پادشاهان فاضل‌ترین اعمال است» (منشی، ۱۳۹۴: ۳۷).

هسته اصلی کلپله‌ودمنه در اقتفای اندرزنامه‌ها و اندیشه سیاسی پیشامدرن ضرورت اندرز به سلطان است، اما آنچه اهمیت مشاوره در امر سیاست و حکومت را در کلپله و گفت‌وگو در دوران میانه برجسته می‌سازد، پدیداری برزویه در هیئت پزشک و مشاور سیاسی است که «تأثیر عظیمی در جهان اسلام به‌جای گذاشت» (باوری، ۱۳۹۸: ۶۳). درک سیاست به مثابه جسم که مستعد سلامت و بیماری است، درون‌مایه رایج و بارز در اندیشه سیاسی قدیم و مشترک شرق و غرب بود. از این‌رو دانش فرمانروایی اغلب در حجاب راز و دارویی اسرارآمیز ترسیم می‌شود که آگاهان بدان اندک بوده و گویی همگی اعضای انجمنی مخفی و مطلع از باطن امور و قادر به درک حقیقت از پس صورت ظاهر هستند. منشی در ترجمه خود، اثر را از سطح تعلیمی به سطحی سیاسی و انتقادی ارتقا می‌دهد. او با افزودن باب‌های تازه و تغییر در ساختار روایت، کلپله‌ودمنه را به سیاست‌نامه‌ای تمام‌عیار بدل می‌کند. در مقدمه او، پادشاهان «سایه آفریدگار» خوانده می‌شوند، اما در همان حال، عدل و عقل به‌عنوان شرط دوام سلطنت معرفی می‌شود. در این میان، پزشک - برزویه - به نماد حکیم سیاست‌مدار تبدیل می‌شود؛ کسی که هم درمان تن می‌داند و هم علاج ملک. این درهم‌آمیزی پزشکی و سیاست، از کهن‌ترین استعاره‌های قدرت در اندیشه ایرانی است.

از این‌رو کلپله‌ودمنه را باید کتابی در «حکمت عملی قدرت» دانست. سیاست در این اثر نه بر قداست، بلکه بر تجربه و عقلانیت استوار است. خرد، ستون اصلی حکومت خوب است و وزیر دانا راهنمای شاه در پرهیز از بیداد و بی‌خردی است. در باب برزویه طیب، عقل بر دین تفوق می‌یابد:

برزویه می‌گوید که همه ادیان مدعی حقیقت‌اند، اما تنها عقل است که می‌تواند نیکی را از بدی جدا کند. این سخن در ظاهر اخلاقی، در عمق خود بیانگر چرخشی معرفتی است: گذار از ایمان مطلق به داوری عقلانی.

### جهان‌بینی و درون‌مایه‌های سیاسی کلیله و دمنه

در باب شیر و گاو، نسبت میان عقل و بخت، و دوگانه ثبات و جاه‌طلبی بازنمایی می‌شود. کلیله نماد رضا و احتیاط است و دمنه نماد جاه‌طلبی و سیاست فعال. منشی در این داستان، به زبان تمثیل، خطر تقرب به قدرت و وسوسه جاه را نشان می‌دهد. خرد در اینجا نه ابزار صعود، بلکه سپر بقاست. این باب با چند حکایت درباره لزوم نصیحت و فضیلت خدمت به شاهان در مقام مشاور شروع می‌شود. کلیله به دمنه اندرز و حذر می‌دهد که خردمندان سه چیز را مجاز نمی‌دانند: همنشینی با شاهان، چشیدن زهر و گفتن راز به زنان. دمنه در پاسخ می‌گوید که «هر که از خطر بپرهیزد خطیر نگردد» (منشی، ۱۳۹۴: ۶۷) و در خدمت به سلاطین، سفرهای دوردست تجاری و مواجهه با دشمنان، اگر خرد همراه باشد، فواید بی‌شمار هست. درون‌مایه باب شیر و گاو تقابل رضایت به داده و همت بلند و تلاش است و در گفتگوی کلیله با دمنه آشکار می‌شود. کلیله که نماد تسلیم و رضاست می‌گوید «ما بر درگاه این ملک آسایشی داریم و طعمه‌ای می‌یابیم و از آن طبقه نیستیم که به مفاوضت ملوک مشرف شوند» (منشی، ۱۳۹۴: ۶۲ - ۶۱). در مقابل دمنه که سودای دولت از رهگذر بخت در سر دارد استدلال می‌کند که «فایده تقرب به ملوک رفعت منزلت است» (منشی، ۱۳۹۴: ۶۲).

ثبات و عدم تحرک کلید بسیاری از رهنمودهای اندیشه سیاسی کلیله و دمنه به اقتضای آیین مزدایی است. حفظ سلسله‌مراتب چنانکه اردشیر با نص صریح آن را وصیت کرده، اصلی‌ترین جلوه این قوانین لایتغیر است (رضایی راد، ۱۳۸۵: ۳۰۰) و نامه تنسر بر آن تأکید می‌گذارد «آنچه شاهنشاه فرمود از مشغول گرداندن مردمان به کارهای خویش و بازداشتن از کارهای دیگران، قوام عالم و نظام کار عالمیان است» و با توجه به اینکه بخش مهمی از نامه تنسر در زمان انوشیروان تحریر شده است، این حکم اردشیر، واجد معنایی اساسی می‌شود. در باب اول نکات عمده‌ای در خصوص عقاید عامه، تقدیرباوری، طبقات و مراتب جامعه و منع تحرک طبقاتی و ویژگی‌های اخلاقی ملازمان دربار سلاطین مانند حسد، اتهام‌زنی و بلندهمتی برجسته می‌شود. با این تمهیدات در باب‌های بعد خواننده با وجوه متعارض زندگی روبرو می‌شود. بدین‌سان در کلیله و دمنه، زندگی انسانی به صورت عرصه نزاع ارزش‌ها و باورهای متضاد و متناقض ترسیم می‌شود و آدمیان همواره با شیوه‌های گوناگون تلاش می‌کنند این

تناقض‌ها را سازگار سازند. مثلاً آزادی با زندگی در میان جمع دیگران چه بسا تعارض داشته باشد. از این‌روست که قانون خرد در کلیله چارچوبی برای هماهنگی شیوه‌های گوناگون زندگی و ساماندهی آن فراهم می‌کند، اما در عین حال باب اول نشان می‌دهد که چگونه ترس از ناشناخته و احساس تهدید از جانب مردمان مفید بی‌آزار بر تعارض و نزاع‌های همبسته زندگی جمعی می‌افزاید. از این‌رو در باب‌های بعدی یکی از مهمترین درونمایه‌ها که بر آن تأکید ویژه‌ای می‌شود، سرشت مهارناپذیر قدرت است و همشینی با اهل قدرت از نگاه حکیمان ناپسند و با نادانی برابر دانسته می‌شود (منشی، ۱۳۹۴: ۶۷).

در باب‌های میانی پرهیز از تمجیل و شتاب‌زدگی در امور، قضاء و پیامد عمل دمنه و مفهوم عدل محور تأمل سیاسی است. افزوده‌های ابن‌مقفع و منشی در روایت ایرانی در سنجش با نسخه هندی تأکیدی بر عدالت به‌عنوان بنیان سیاست است. عدل در این معنا نه فضیلت اخلاقی، بلکه شرط امکان حکومت است. در میانهٔ کلیله و دمنه از باب ششم عدل در مقام زیربنای جامعه آرمانی انگاشته می‌شود. این مفهوم در پنجه تتره وجود نداشته و افزودهٔ ابن‌مقفع است تا نشان دهد گناهکاران سرانجام مجازات می‌شوند. در روایت هندی دمنه سالیان بسیار با خوشی و سعادت در جوار شیر می‌ماند، اما در روایت ایرانی، دمنه بی‌رحمانه و دردناک کشته می‌شود و به سزای اعمال خود می‌رسد (منشی، ۱۳۹۴: ۱۵۶). آنچه در این باب «بازجست کار دمنه» از منظر سیره سیاسی شاهان آشکار می‌شود تأکید بر رفتارشناسی شاهان و مردمان عادی است. از این نظر منطق و مصلحت یگانه‌ای بر رفتار شاهان و مردمان حاکم نیست. زیرا حکومت با صفات مردم عادی اداره نمی‌شود و آنچه در نظر مردمان عادی نقص و عیب به شمار می‌آید نزد شاهان شاید هنر باشد.

در باب «کلاغان و بومان»، اندیشه‌ای نزدیک به مفهوم «قرارداد اجتماعی» دیده می‌شود؛ جایی که جماعت کلاغان با مشاوره و تدبیر وزیر دانا، علیه دشمن متحد می‌شوند. در این تمثیل، ضرورت حکومت، نظم و مشورت به‌مثابه ارکان سیاست بازنمایی می‌شود. داستان کلاغان و بومان تأکید بر ضرورت حکومت و آن چیزی است که در فلسفه سیاسی مدرن «قرارداد اجتماعی» خوانده می‌شود. برخی از مهمترین خصوصیات قدرت سیاسی از قبیل؛ نقش بخت در کسب قدرت، ناپایداری و ماندگاری قدرت در دستان حاکمان، لزوم توجه دقیق به ظرایف امر سیاست، گریزپایی بخت و تزلزل تخت شهریار و انواع لطایف‌الحیل در نگاه‌داشت آن و بلاخیزی جایگاه قدرت سیاسی به میان می‌آید. از این‌رو در مقام استشاره متذکر می‌شود که «جهان‌داری را منزلت شریف و درجت عالی است. و بدان محل به کوشش و آرزو نتوان رسید و جز به اتفاقات نیک و مساعدت سعادت به دست نیاید و چون میسر شد آن را عزیز باید داشت و در ضبط و حفظ آن جد و مبالغت باید نمود و حالی به صواب آن لایق‌تر که در کارها غفلت

کم رود و مهمات را خوار شمرده نیاید که بقای ملک و استقامت دولت بی حزم کامل و عدل شامل و رای راست و شمشیر تیز ممکن نباشد» (منشی، ۱۳۹۴: ۲۳۶).

حکایت‌های این باب مضامین مهمی در آیین کشورداری، شناخت دشمن و چگونگی برخورد با آنان را بیان می‌کند و هر سطر آن تذکری بر ضرورت مشورت پادشاه با وزیر لایق و کاردان، به کار بستن نصیحت و پرهیز از خودسری است (منشی، ۱۳۹۴: ۲۳۷). شیوهٔ روایت داستان نزاع میان زاغان و بومان بر سر احراز قدرت، محتوایی کاملاً سیاسی را بازنمایی می‌کند. امروزه جلوهٔ این فراز و نشیب تمثیلی در تخیل خواننده با استراتژی‌هایی که در ادب و سیاست ایران سابقه دارد نمودار می‌شود و تا نامه تنسر که «عقل ظفر شمرد دشمنان را از یکدیگر جدا کردن و به‌نوعی میان ایشان دو گروهی افکندن که اختلاف کلمه خصمان موجب فراغ دل و نظام کار باشد» (تنسر، ۱۳۵۴: ۲۱۴) می‌توان پی گرفت. در باب نهم مضمون زندگی صلح‌آمیز را با روایت حوادث و پیشامدها و عملکرد دولتمردان و حاکمان خودرأی و مستبد، دو جهان-بینی خشنودی و رضایت به زندگی آرام و پرهیزکارانه و شیفتگی به قدرت، مقام، مشاغل دنیوی و معایب حاصل از آن را در برابر هم قرار می‌دهد و تأکید دوباره‌ای بر ثبات و عدم تحرک است. در آنجا که سیاست به معنای مجازات و تنبیه خطاکاران از لوازم ضروری حکومت و ناشی از وظایف دوگانه شهرداری یعنی اقتدار و عدل دانسته می‌شود که «امارت بی‌عدل و سیاست ممکن نشود»، حفظ قوانین ثابت ایزدی اصلی‌ترین وظیفهٔ شهریار به شمار می‌آید. چنین تفکری قطعاً هرگونه تغییری را در حکم تغییر قوانین ثابت الهی می‌انگارد. درون‌مایه باب دوازدهم شهر آرمانی و دستیابی به قدرت سیاسی است که همواره با خونریزی همراه بوده و پایه‌های سریر شاهی از دل خون برآمده و برای بقای آن باید خون‌ها ریخته شود. این داستان به احتمال از ساخته‌های مترجم پهلوی کتاب و طنزی است بر نفوذ موبدان و دخالت‌های بیجای آنان در دستگاه پادشاهان ساسانی.

هرچه به انتهای کیلیه و دمنه نزدیک‌تر می‌شویم در باب‌های پایانی، سیاست به تجربه‌ای اخلاقی بدل می‌شود که میان عدل و قهر، حلم و تدبیر در نوسان است. پادشاه عادل کسی است که در میان این اضداد تعادل برقرار می‌کند. جنبه و پیام‌های سیاسی کتاب آشکارتر و از تمثیل فاصله گرفته می‌شود. شخصیت‌ها نام واقعی خود را باز می‌یابند. حکایت «پادشاه و فنزه» مثالی است از رئالیسم سیاسی و اندرز آن پرهیز و حذر از دشمن خونی و قوی‌تر است که هر چه دشمنی عمیق‌تر باشد به وعدهٔ آشتی کمتر می‌توان اعتماد کرد. زیرا «خصم ملک را هیچ زندان چون گور و هیچ تازیانه چون شمشیر نیست». داستان «شیر و شغال» شاخص میانه‌روی، پیروی عقل و پرهیز از مجازات بیش از اندازه و ترحم بیش از حد است. مقام شاهی داوړی اعمال نیک و بد است. در تمام باب‌های کیلیه و دمنه، مؤلف داستان و نکات

اصلی مباحث مطرح را تلخیص و با تکرار پاسخ، برهمن تمهیدی برای آغاز داستان بعدی می‌اندیشد. از نظر ساختار روایت با تغییر اول شخص به سوم شخص، انتقال ذهنیت خواننده به نکته اخلاقی مورد نظر را امکان‌پذیر می‌سازد و در ادامه داستان مخاطب را مطمئن می‌کند که نظم برقرار، بی‌عدالتی مقهور و حق منصور می‌شود؛ اما در داستان شیر و شغال تکلیف خواننده مشخص نیست و جای تردید در صحت اعتراف شاه و دعوی او به تغییر رأی باز می‌ماند و خواننده به تأمل بیشتر فراخوانده می‌شود. داستان «زاهد و مهمان او» به شاه می‌آموزد که رعیت را در جایگاه مناسب خودش نگاه دارد و کارهای گران را به کافیان هنرمند و داهیان خردمند بسپارد. در داستان «پادشاه و برهمنان»، فضیلت حلم بر شجاعت و سخاوت برتری می‌یابد، چرا که حلم ریشه در مشاوره با عاقلان دارد. چنین درکی از حلم، عقلانیتی سیاسی است که با شریعت تفاوت دارد. «پادشاه و برهمنان» این پرسش اساسی آیین حکمرانی را پیش می‌کشد که از میان خصلت‌های حلم، سخاوت و شجاعت کدام‌یک برای ثبات مُلک، خشنودی رعیت و مصلحت فرمانروا پسندیده‌تر است و طی داستان چون «اصل حلم مشاورت است با اهل خرد و حفاصت و تجربت و ممارست و مجالست حکیمی مخلص و عاقلی مشفق» حلم ارجح شمرده می‌شود. نکته جالب توجه داستان این است که برهمنان و رهبران دین هستند که سخن کذب در گوش شاه می‌خوانند و با آشکار شدن بی‌گناهی وزیر، شاه برهمنان را می‌کشد. اندرز نیک و بد محور اساسی در باب ماقبل آخر است و اینکه چگونه می‌توان اندرز نیک را از بد باز شناخت.

در آخرین باب، «شاهزاده و یاران او»، مفهوم سعادت و تقدیر به نقطه کمال می‌رسد. عقل و بخت دو نیروی مکمل‌اند: بخت فرصت می‌دهد و عقل آن را به ثمر می‌رساند. اما سعادت راستین در پذیرش حدود قدرت و تسلیم به قضاست؛ نه از سر ایمان دینی، بلکه به حکم عقل و تجربه. بدین سان، سیاست در کلیله و دمنه تلاشی برای سازگاری انسان با جهان متغیر قدرت از رهگذر اعتدال و عقلانیت است. حکایت «شاهزاده و یاران او» پایان شگفت‌انگیزی بر مبحث عقل و اندرز و نقش آن در رام کردن توسن بخت و اقبال است. پرسش شاه درباره عدل و عدالت در پاداش و کیفر است و این که چرا بدکاران در نعمت و آسایش و نیکوکاران در تنگدستی به سر می‌برند؟ آدمی چگونه می‌تواند جذب منفعت کند و از بلا و مصیبت بپرهیزد؟ اما مخاطب در برابر این پرسش‌ها در حالت تعلیق رها می‌شود، زیرا عقل که کلید سعادت است هرگز بیدادگری‌های آشکاری که در راه و رسم جهان دیده می‌شود را چاره نمی‌کند. نتیجه آشکار در پایان داستان باب آگاهی از قدرت قاهر تقدیر و ناگزیری از پذیرش فرمان آن و اهمیت عقل در فهم این دقیقه است. سعادت، کسب این بینش خردمندانه است که باید با رضای خاطر به فرمان تقدیر سر نهاد. دانش، جهد و جمال که هر یک به صورت تمثیلی در هیئت شاهزاده‌ای نمودار می‌شوند،

زمانی متمر ثمر هستند که قضای آسمانی با آنها موافق باشد و خردمندی همانا آگاهی از این حقیقت است که آدمی باید آماده باشد تا از فرصت‌هایی که بخت نصیبش می‌گرداند بهره‌گیرد. به دیگر سخن عقل عبارت از این است که «انسان خود را به دست سرنوشت بسپارد تا به خوشبختی برسد» (فوشه‌کور، ۱۳۷۷: ۵۷۲) و همه تدابیر، وابسته قضا و قدر و توکل است و «اصل سعادت قضای آسمانی است» (منشی، ۱۳۹۴: ۴۱۴).

### تحلیل درون‌مایه اصلی: عقل و بخت

کیله‌ودمنه مجموعه‌ای از داستان‌های گوناگون است که منشی آنها را به آیات قرآن، احادیث و روایات اسلامی آمیخته است، اما این اضافات، نظام اخلاقی دنیوی آن را پنهان نمی‌کند. زبان تمثیلی قصه‌ها و تحول تدریجی و نامحسوس پادشاه حجابی است که پیام سیاسی نهفته در آن را از انتقاد علنی و مخالفت صریح مصون داشته است. در کیله‌ودمنه راز حکومت خوب در رایزنی حکیمی جستجو می‌شود که همزمان پزشکی و رایزن است و حضورش در دربار خسرو انوشیروان قهرمان ساسانی تاریخ‌نگاری اسلامی، پیوند پزشکی با حکومت خوب و اندرزهای اسرارآمیز را تکمیل می‌کند. سیاست درست، پیروی از حکمت پیشینیان، اندرز نیک و رعایت آنها به منظور پیشگیری از آشوب و بدعت است.

ایده «قدرت حق است» اندیشه محوری کیله‌ودمنه است. در کیله‌ودمنه نیز مانند بسیاری از جوامع کهن، باور مردم اطاعت محض و بی‌چون‌وچرا از حاکمان و سلاطین است. رعیت ملزم به اطاعت هستند و «هر چه پادشاهان کنند رعایا را بر آن وقوف و استکشاف شرط نیست و خاطر هرکس بدان نرسد که رای ایشان ببند». قدرت و تجسم آن در حاکم چنان تقدیس می‌شود که مردمان معتقدند جانشان در مقابل جان سلطان بی‌ارزش است و برای مصلحت پادشاه و مملکت باید فدا شود. اصل وجود سلطان است و اهل شهری فدای ذات ملک اگر در خطر باشد.

محافظه‌کاری طبیعی در کیله‌ودمنه جلوه دیگری از تداوم و پیوستگی اندیشه سیاسی و آیین فرمانروایی باستانی ایرانیان است. خطوط اصلی این محافظه‌کاری شامل احترام به ترتیبات سیاسی و اجتماعی به خصوص اگر سابقه طولانی داشته باشند و نابرابری چاره‌ناپذیر فطری بشر به اقتضای نظام کیهانی مزدایی است. گرچه مغالطه طبیعت‌باور در این عقاید مشهود است، اما احترام به سنت‌ها و بیهوده نبودن آنها و نقش پشتوانه بودن و تسهیل‌گری برای زندگی مد نظر هستند. محتوای داستانی کیله‌ودمنه مداری است که اندیشه سیاسی کیله بر محور آن می‌گردد. قصد تغییرات بنیادی در نظام حکومتی پیشنهاد نمی‌شود را ندارد بلکه خواهان آن است که شاه در مقام سمبل اقتدار و فرمان با

خواندن داستان از افراط و تفریط پرهیز کند و به سوی نوعی اعتدال سوق یابد و در نهایت صلح و آرامش بر جامعه حاکم شده و مردم در امن و راحتی به سر برند؛ امری که پس از آن در سیاستنامه نیز مشاهده می‌شود.

کلیدودمنه مجموعه‌ای از داستان‌های گوناگون است که اصل کهن آنها با آیات قرآن، احادیث و احکام اسلامی آمیخته شده است، اما این اضافات، نظام اخلاقی دنیوی آن را پنهان نمی‌سازد. زبان تمثیلی قصه‌ها و تحول تدریجی و نامحسوس پادشاه مانند حجابی پیام‌های سیاسی نهفته در کتاب را از انتقاد علنی و مخالفت صریح مصون داشته است. در کلیدودمنه نحوه نگرش نویسنده به سیاست و حکومت موجد نوعی دست‌کاری در هنجار مرسوم زمانه و نشان از نگاه ویژه منشی به دو مفهوم اصلی سیاست یعنی حکم و اطاعت است. اندیشه‌ای که در پس الفاظ کلیدودمنه پنهان است، صرفاً با تتبعات ادبی قابل حصول نیست، از این رو، کشف نگاه ویژه منشی به سیاست مستلزم بازخوانی اثر وی از منظر اندیشه سیاسی است. وی با بهره‌گیری از استعاره و حکایات تمثیلی کنش زبانی ویژه‌ای را در بیان اندیشه خویش در پیش می‌گیرد و با نقد مهمترین پاره‌گفتار قدما در همزادی ملک و دین، روزگار شوربختی ایرانیان را نقادی می‌کند.

دین‌یاری شاه، بخش جدایی‌ناپذیر اندیشه شاهی آرمانی در ایران باستان بود. شاه آرمانی دین‌یار و تجسم دین بود. از این رو همواره در اندرزنامه‌های باستانی تأکید بر همزادی «ملک و دین» مشاهده می‌شود. اما در کلیدودمنه به دین‌داری شاه و ضرورت آن اشاره‌ای نمی‌شود. کارگزاران حکومتی، معیشت مردم را بر اساس عقل متعارف انسانی تمشیت می‌کنند. از این رو کلیدودمنه سیاست را با اموری از قبیل تجارت و علم‌آموزی مقایسه می‌کند که در بسیاری از آثار پسین بازنویسی شده است و منشی منطق بقای سیاست و پیشه تجارت را برابر می‌نهد. شاه در تفکر منشی نگهبان رعیت نیست. وی این مذهب مختار زمان را با وارد نمودن معیارهایی عرفی نظیر کارآیی و مصلحت دولت به چالش می‌کشد و از دیگر سو، پایداری حکومت را تابع و مشروط به ویژگی‌هایی عرفی می‌داند که قابل دستیابی و اندازه‌گیری است. این موضع در کلیدودمنه اساسی و مکرر است و بقای ملک و تداوم فرمانروایی حاکم و تمهیدات سنجش‌پذیر پاسداری از آن با واژگانی مترادف نه‌تنها ناشی از دین‌داری، عنایت الهی یا صفات الوهی پادشاه تصور نمی‌شود بلکه مشروط به کارآمدی و حراست از قدرت است.

## نتیجه‌گیری

سده‌های سوم تا هفتم هجری مشهور به «عصر زرین فرهنگ ایران»، «روشنگری دوره میانه»

و «رنسانس اسلامی»، نماد خودآگاهی و خردباوری در جهان ایرانی و اسلامی است. عده کثیری فیلسوف، دانشمند، مورخ، شاعر و سیاستمدار در این زمانه دل‌مشغول پرسش‌های جدید و تأمل و تدبر در آنها بودند و خردباوری قدرتمندترین گفتاری بود که با گفتمان فقهی رقابت می‌کرد. بدین‌سان تاریخ اندیشه سیاسی دوران میانه نشان از تقابل و کشمکش خردمندان میان‌گیر با گفتار مسلط شرعی و الهیاتی در سیاست و حکومت دارد. از این‌رو هرچه از سده‌های آغازین دور می‌شویم، به دلایل متعدد سیاسی و اجتماعی افزایش نفوذ جریان فقاقت در اندیشه سیاسی و حضور چشمگیر فقیهان در سیاست عملی آشکارتر می‌شود؛ امری که با رشد نظامیه‌ها و افول جریان‌های خردباور و قدرت یافتن قشری‌گری، گره خورده بود. بدین‌سان برخلاف جریان رو به غلبه الهیات و فقه اسلامی، نویسنده کیله‌ودمنه می‌کوشد در زمانه‌ای که مردمان رغبتی به قرائت کتب عربی ندارند، آشکارا در غیاب زبان فقه و با بهره گرفتن از فارسی نوپدید رو به رشد، روابط قدرت و سرشت حکومت را بررسی نموده و عقاید عملی و عرفی نافذ در خصوص قدرت و شیوه فرمانروایی را برجسته سازد. چنین به نظر می‌آید که در نگاه منشی نوعی واقع‌بینی زودرس اختیار شده است. از این‌رو شاه را مالک جان و مال مردمان و سایه خدا بر زمین به شمار می‌آورد. البته التفات به این نکته از این ادعا که تأملات منشی محتوای نظریه‌ای منسجم و جامع در باب سیاست و حکومت فراهم کرده باشد فرسنگ‌ها دور است؛ منظور تأکید بر مجموعه‌ای از ملاحظات و تأملات در باب سیاست است که کاشف از شیوه حکمرانی حکام وقت بود و نه پیروی صرف از اندرزنامه‌های پیشین. پرداختن به این اثر و آثار مشابه شناسایی حد زبان و افق‌های فکری جهان ایرانی برای روشن نمودن حدود آموختن از امکانات و محدودیت‌های سنت ایرانی و اسلامی است. در این مقاله با بررسی کیله‌ودمنه و مقایسه آن با «سنت سیاست‌نامه‌نویسی» نشان داده شد که این اثر را می‌توان نوعی نقد رادیکال سیاست تلقی نمود.

کیله‌ودمنه به ظاهر اندرزنامه‌ای اخلاقی است، اما در باطن، متنی در تأمل سیاسی است که عقل، عدل و مصلحت را در پیوندی تازه با قدرت می‌نشانند. نصرالله منشی در عصر فروپاشی نظام کهن مشروعیت و چیرگی گفتار فقاقتی، کوشید تا از طریق زبان تمثیل، سیاست را به عرصه عقل عملی بازگرداند. در این معنا، کیله‌ودمنه را می‌توان نه تنها بازتاب سنت اندرزنامه‌نویسی، بلکه تلاشی آگاهانه برای تأسیس نوعی «سیاست عقلانی - اخلاقی» دانست. در این اثر، قدرت از آسمان به زمین آورده می‌شود. شاه دیگر قدیس نیست، بلکه مدیر خردمند است؛ وزرا و دبیران، حاملان عقل عملی‌اند؛ و رعیت، شاگردان سیاست هستند. تمثیل حیوانات نه برای تزئین، بلکه برای پوشاندن گفتار سیاسی است. در زمانه‌ای که سخن صریح از سیاست خطرناک بود، زبان تمثیل، حجاب نقد قدرت و حکایت، ظرف اندیشه سیاسی

است. بدین‌سان، کلیله‌و‌دمنه را باید یکی از نخستین گام‌های اندیشه سیاسی ایرانی در مسیر استقلال از الهیات دانست. این کتاب، در پیوند با سنت ایرانشهری و در فاصله از فقه سیاسی خلافت، طرحی از حکومت اخلاقی بر پایه عقل و مصلحت ارائه می‌دهد. اگر سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک سیاست را هنر حفظ دولت می‌داند، کلیله‌و‌دمنه سیاست را هنر حفظ تعادل میان قدرت و اخلاق می‌نماید. از این‌رو می‌توان گفت که کلیله‌و‌دمنه، در عین وفاداری به سنت اندرزنانه، نوعی نقد رادیکال سیاست قدسی است؛ متنی که به زبان تمثیل، پیوند دیرینه ملک و دین را می‌گسلد و سیاست را در مدار عقل و تدبیر انسانی قرار می‌دهد. در تاریخ اندیشه سیاسی ایران، این اثر نه صرفاً نصیحت‌الملوک، بلکه بیانگر گذار از سیاست قدسی به سیاست خردمندانه است؛ گذاری که میراث آن تا سیاست‌نامه خواجه نظام‌الملک و گلستان سعدی امتداد می‌یابد.

## منابع

- ابراهیم، امیرحسین، (۱۳۹۷). یک هزاره کشاکش: سیری در تاریخ فرهنگ ایران. تهران: نشر کلاغ.
- البخاری، محمدبن عبدالله، (۱۳۶۹). داستان‌های بیدپای. به تصحیح پرویز ناتل خانلری و محمد روشن. تهران: انتشارات خوارزمی.
- اکوانی، حمداله (۱۳۹۷). دو روایت امر سیاسی و الگوی دولت در اندیشه متفکران دوره میانه اسلامی. دولت پژوهی. دوره چهارم. شماره ۱۶.
- بهار، محمد تقی (ملک الشعراء) (۱۳۸۱). تاریخ سیستان. تهران: انتشارات معین.
- \_\_\_\_\_ (ملک الشعراء) (۲۵۳۶). سبک شناسی یا تاریخ تطور نثر فارسی. جلد دوم. تهران: کتاب‌های پرستو. انتشارات امیرکبیر.
- رستم‌وندی، تقی (۱۳۸۸). اندیشه ایرانشهری در عصر اسلامی؛ بازخوانی اندیشه سیاسی حکیم ابوالقاسم فردوسی، خواجه نظام‌الملک طوسی و شیخ شهاب‌الدین سهروردی. تهران: امیرکبیر.
- رضایی‌راد، محمد (۱۳۸۹). مبانی اندیشه سیاسی در خرد مزدایی (اندیشه سیاسی در ایران پیش از اسلام). تهران: طرح نو.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۴ الف). تاریخ مردم ایران؛ ایران قبل از اسلام. تهران: امیرکبیر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۹۴ ب). تاریخ مردم ایران؛ از پایان ساسانیان تا پایان آل بویه. تهران: امیرکبیر.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۳). «پیوند ادب و سیاست؛ شناور شدن زبان و ارتباط آن با رشد خودکامگی». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۲۰۸ - ۲۰۷

- طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۵). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران؛ ملاحظاتی در مبنای نظری. تهران: مینوی خرد.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ الف). زوال اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳ ب). درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران. تهران: کویر.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۹۳). عصر زرین فرهنگ ایران. ترجمه مسعود رجب نیا. تهران: سروش.
- فوشه کور، شارل هانری دو (۱۳۷۷). اخلاقیات؛ مفاهیم اخلاقی در ادبیات فارسی از سده سوم تا سده هفتم هجری. ترجمه محمد علی امیرمعزی. عبدالمحمد روح بخشان. تهران: نشر دانشگاهی.
- گوتاس، دیمیتری (۱۳۸۱). تفکر یونانی فرهنگ عربی؛ نهضت ترجمه کتاب‌های یونانی به عربی در بغداد و جامعه آغازین عباسی (قرن های دوم تا چهارم/ هشتم تا دهم). ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- منشی، ابوالعالی نصرالله (۱۳۹۴). کیبله و دمنه. تصحیح و توضیح مجتبی مینوی طهرانی. تهران: امیرکبیر.
- مینوی خرد (۱۳۹۱). ترجمه احمد تفضلی. به کوشش ژاله آموزگار. تهران: توس.
- مینوی، مجتبی (۱۳۵۰). «برزویه حکیم و رودکی شاعر و نشو و نمای زبان فارسی». مجله دانشکده ادبیات مشهد. سال هفتم. شماره چهارم.
- میهنی، محمد بن عبدالخالق (۱۳۸۹). آیین دبیری. تصحیح و توضیح اکبر نحوی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی
- تنسر، نامه تنسر به گشنسب (۱۳۵۴). به تصحیح مجتبی مینوی. تهران: خوارزمی.
- وراوینی، سعدالدین (۱۳۷۰). مرزبان نامه. به کوشش خلیل خطیب رهبر. تهران: صفی علیشاه.
- یاوری، نگین (۱۳۹۸). اندرز به سلطان؛ نصیحت و سیاست در اسلام قرون میانه. ترجمه محمد دهقانی. تهران: تاریخ ایران.